

عنوان مقاله:

چالش ها و فرصت های تدوین نظام رفاهی جامع در ایران بعد از انقلاب

محل انتشار:

دو فصلنامه دین و ارتباطات، دوره 14، شماره 31 (سال: 1386)

تعداد صفحات اصل مقاله: 23

نویسنده:

علی اصغر سعیدی - استادیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

خلاصه مقاله:

هدف اصلی این مقاله ارائه تحلیلی کلی از موانع توسعه سیاست اجتماعی در دوره برنامه های توسعه بعد از انقلاب اسلامی است. مقاله این بحث را دنبال می کند که در این برنامه ها بیش از هر زمانی در گذشته بر موضوعات مختلف در سیاست اجتماعی به ویژه در مورد حمایت اجتماعی از گروه های آسیب پذیر تاکید شده است؛ زیرا قانون اساسی دولت را دولت رفاه می داند. مقاله این استدلال را مطرح می کند که علی رغم اینکه تلاش تصمیم سازان بر این بوده است تا برای اطمینان از رفاه و بهزیستی تمام شهروندان، سیاست اجتماعی را در دستور کار قرار دهند، اما برنامه ها از نبود یک سیاست اجتماعی جامع، به این معنا که گفتمان مستقل سیاست اجتماعی به عنوان پیش زمینه برنامه ریزی برای این نوع سیاست ها برای پرکردن شکاف نظر و عمل وجود ندارد، رنج می برند. بنابراین، چالش های پیش روی دولت برای تدوین یک برنامه سیاست اجتماعی جامع این است که چگونه ذی نفعیان واقعی را، چه در بخش سوم جامعه، چه گروه های اجتماعی، نظریه پردازان، صاحب نظران و سیاستگذاران، در بحث های گروهی دسته جمعی و کارگاه های تدوین برنامه عمل برای طراحی و انتخاب های موجود در سیاست اجتماعی گرد آورد. در این مقاله ما سعی می کنیم تا بر نقش این ذی نفعان در بخش های مختلف و در گروه های اجتماعی متمرکز شویم تا ویژگی های برنامه سیاست اجتماعی اجرا شدنی و واقع گرایانه را با تمرکز بر نقاط قوت و ضعف برنامه های اجتماعی و تعیین اولویت های سیاست های اجتماعی روشن کنیم. فرض ما بر این است که می توان از تجربیات تدوین سیاست اجتماعی در سایر کشورهای دنیا، دولت رفاه های کلاسیک و بحران های اخیر آن برای انجام هر دستورالعمل بومی استفاده کرد. این مسیله را ما در بررسی برنامه های توسعه اجتماعی و تمایز آن با برنامه سیاست اجتماعی در برنامه های توسعه بید از انقلاب نشان خواهیم داد.

کلمات کلیدی:

سیاست اجتماعی جامع، دولت رفاه، نظم و توسعه اجتماعی، بخش سوم جامعه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/834015>

